



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۲۷

د ص سعیدی

## عدم دقت های عمدی یا خایانه « دیورند لاین »

تلگرافی:

۱/ توافق بین عبدالرحمن خان ( پسر افضل خان که وارث تاج و تخت نبود، وارث ایوب خان در میوند علیه قوای استعمار میجنگید!) و جانب انگلیس ۱۹۸۳م. و یا هند برتانوی، امضاء نه شده. هرکه تاکید دارد که امضاء شد، تاکید نادرست، فضول و دروغ است!

تلاش عبدالرحمن خان یک تلاش برای کسب پول، امتیاز و شناخت وی مانند شاه، چه در غیر آن وارث تخت و تاج غازی ایوب خان بود! انگلیس های تهدید کردند که اگر امیر عبدالرحمن توافق نه کند، ایشان به افضل خان، که وارث تاج و تخت است مراجعه خواهند کرد و در ترکستان ها قیامها خواهد شد و روسها، نیز مطالبات ارضی دارند و ... این توافق در مورد قسمت از مناطق دور دست، از دسترس کابل، که قبلاً رنجیت سنگ حاکم پنجاب تصرف کرده بود در آن قیامهای متعدد علیه استعمار میشد و انگلیسها از رنجیت سنگ قبضه کردند، تعلق دارد که آنرا انگلیسها ساحة نفوذ میخواستند!

۲/ از لحاظ حقوقی در صورتیکه مواد اصلی یک توافق مجهول باشد، این حالت، سند و دست آویز بطلان اصل توافق، است! توافق شفاهی امیر برای تعیین ساحة نفوذ هر دو جانب بخاطر مهار کردن قیامها به خواست جانب استعمار و ... بوده و کدام سرحد به شمار نمی رفت! اکثریت مطلق این مناطق در واحد های اداری هند برطانوی شامل هم نبودند و نه شدند، که بعد از تقسیم هند (۱۹۴۷م.) با تقسیم هند، تقسیم، میشدند! تلاش جانب امیر عبدالرحمن چنانچه گفته آمدیم، کسب پول بخاطر مصارف حرمسرا ها، کسب مهمات جنگی، اعتراف به پادشاهی وی و ... و اینکه این سرحد و فروش نیست، تلاش برای روشن کردن ساحة نفوذ بود! بار ها خود سر مارتیمر دیورند علناً در سالهای ۵۰ بعد از ختم ماموریت رسمی اش، نیز طی مصاحبه ها در هند و در خود سند ( امضاء نه شده ای) بنام «دیورند لاین» چنین اعترافات و صراحتها وجود دارد، اظهارات سرمارتیمور دیورند در مجله سه ماهه ( نشنال کوارتال ) و دیگر کتب و آثار تاریخی متعلق، ثبت و درج و در آرشیف ملی انگلستان وجود دارند!

۳/ سر مارتیمور دیورند با هیئت کوچک برای سه چار روز به کابل آمده بود، تا سند تهیه شده را بر امیر عبدالرحمن امضاء کند. اقامت بنا بر مخالف های جانب امیر تا ۴۳ روز طول کشید.

۴/ سرمارتیمور دیورند که عساکر انگلیس را در شرق ( در مشرقی) و در هرات آورده و رسانیده بود، امیر عبدالرحمن را به جنگ سوم افغان و انگلیس تهدید کرد. ( جنگ اول ۱۸۳۹ و جنگ دوم ۱۸۷۹ واقع شده بود). امیر عبدالرحمن که از ناحیه پای فلج مانند شده بود، سخت تحت فشار های مختلف نیز قرار داشت!

۵/ کمیته مشترک تعیین ساحة نفوذ، نشانی کردن نقشه در روی زمین ( ۱۸۹۷-۱۸۹۳م.)، اصلاً نتوانست کار کند و تاکید انگلیس به امیر که کمیته را کمک کند تا این کمیته کار خود را موفقانه انجام دهد، با هدایات صریح امیر، به کار شکنی مواجه ساخته شده، مردم مقاومت کردند و این ثبت تاریخ و مستند است! نقشه به نام توافق « دیورند لاین » از جانب امیر در مورد ساحة نفوذ دو جانب حد اقل در سه مورد، با اعتراض و عدم توافق امیر مواجه شد. امیر گفت این همان نقشه ساحة نفوذ نیست که برایم سر مارتیمور دیورند ( وزیر خارجه هند برتانوی وقت)، به امیر نشان داده بود!

جانب انگلیس، و عده اصلاح کرد، ولی عملی نه شد!

۶/ متن این سند به نام «دیورند لاین»

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

صرف به انگلیسی بود و امیر انگلیسی نمی دانست! لذا متن تفاهنامه صرف به انگلیسی و بدون امضا است! درین چند روز یک سند ساختگی جور شده که ربط به تفاهنامه نشان داده میشود و درین روزها نشر شده است! ساختگی است!

۷/ کنوانسیون ویانا ۱۹۶۹ م

تمام تفاهنامه های استعمار گر و استعمار شونده را ملغی میدانند. استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ اعلام نمود میتواند!

۸/ توافقات متواصل بعد از شکست انگلیس در کابل ، بیشتر اگر جانب افغانی در تفاهمات طولانی به لغوی رسمی بخاطر پیگیری مقابل نایل و تصریح نه شد، در یک دو مورد، به مقام و حیثیت، ستاتوت کو ( بقای ما کان هلی ما کان) نگاه شد و توافق کابل برای بعد از یک سال کشمکش، صرف ( ۱۹۲۴-۱۹۲۱م. اعتبار داشت! در گذشت سه سال هر جانب به لغوی و بیرون رفت از مندرجات، حق داشتند!

۸/ بلی شاهان افغان درین زمینه کم کاری های داشتند، فرصت های خوب طلایی را از دست داده اند، تا حاکمیت بی دغدغه، عیش و نوش خود را بی درد سره سازند، ولی در مبداء، این حالت کم کاری سند فروش و دادن قبالة برای کس نیست! از ۲۶ پاچا و رئیس جمهور ۱۹ تن به صورت قطع مطالبات استرداد سرزمینهای مغصوبه را داشتند، تفاهنامه شفاهی به نام « دیورند لاین » را قبول نداشتند و بقیه یا به آن نه پرداخته و یا موقت به ستاتوت کیو رفته اند و حل را به فرصت کناسب موکول کرده اند. اما این کم کاری از جانب ملت افغان صورت نه گرفت و ملت در اکثریت مطلق افغانستان کامل و ختم تسلط پنجاب میخواهند!

۹/ لویه جرگه ۱۹۴۹م. مردم افغانستان ، بعد از بمباردمان قریه افغانستان (مغلی) توسط پاکستان ، تمام تفاهمات بین افغان و انگلیس را (اگر شده باشد) ، نام گرفته به شمول گویا « دیورندلاین» ملغی، اعلان کرد.

۱۰/ حکومت انگلستان در سال ۱۹۵۱م. به حقوق دان خود وظیفه داد، تا از لحاظ حقوقی این فیصله ای جانب افغانی را بررسی و به حکومت خویش گزارش دهد!

حقوق دادن حکومت انگلیس ... جانب پاکستان را دولت ایجاد شده در ملک غیر و غیر مشروع خواند، و گفت: چنین حاکمیت غیر مشروع، قایم بالا اعمال جانب انگلیس، شده نمی تواند و غیر مشروع خوانده میباید! و افزود: اگر این قضیه به کدام محکمه بین المللی ارجاع شود، جانب انگلیس میبازد!

این سند از اسناد محرم انگلستان برای ۵۰ سال ماند و حال در ارشیف ملی انگلستان وجود دارد و قابل دسترس است!

پاکستان میدانند که هیچ سند سازمان ملل متحد و جهانی فیصله و صراحت در مورد «دیورندلاین» و سرحد بین افغانستان و پاکستان ندارد. بلی سازمان ملل متحد و من به پاکستان اعتراف داریم! اما در کجا؟ بگذار پاکستان در پنجاب پاکستان بسازد! مشکل ندارد اما در سرزمین غیر ایجاد شده نمی تواند!

به همین علت پاکستان از هر حاکمیت افغانی فیصله این را میخواهد و ناکام میشود!

لذا پاکستان تلاش داشت و دارد که عوض رفتن به حقوقدان و عدالت جهانی باید، چند وطنفروش، خاین، کودن، بی خبر و یا تحت تاثیرات مالی و تطمیع و تهدید ماستمالی را همیشه انتخاب کرد و برای تداوم تسلط به ملک غیر ادامه میدهد!

اگر قرار باشد که فیصله کردن خط به نام دیورند اولویت روز شود که نیست،

بر خیر اندیشان و واقعیت اندیشان است تا برای ختم این زخم ناسور، به ایجاد داد گاه جهانی درین رابطه طرح بدهند و مانع خیانت به مادر وطن شوند!

و ها برای اطمینان، مواضع و آرمانهای خاینانه و این خیانت را همه ای این خاینین به گور خواهند برد و ...

تلاش این ناکام و خود شان منفور از بیش و تجرید شده اند و خواهند شد!

اما دیده میشود که عده نمی سازند و ساخته نمی توانند و خراب کردن هم میخواهند!

ضمیر، وجدان و عدالت شان مرده است! عده شان چنان به تحت الصفر و ناامیدی رسیده اند که هیچ عقل و فرصت درایت و تفکر عینی و سلیم را ندارند.

متاثریم ازین حالت!

متاثریم به حال آنکه من مصروف کلمات رکیک در حقش نثار میکنم و میثوم!

اما سوال:

اگر کسی صدای روبای مکار کشید و من تشخیص کردم که این صدای روبای مکار است!

اگر خیانت را تشخیص کردم و علمبردار آنرا شناختم و اگر اظهارات معین را تجاوز از حد تشخیص کردم و اظهارات معین را شرکی و کفری تشخیص کردند، این همه تشخیص و اظهار حالات گناه و تخطی، تخلف و اشتباه از تشخیص کننده است و یا از کسیکه تخلف و تخطی مرتکب شده و موضع خیانت به مادر وطن را انتخاب دارد؟

اگر اظهار کننده تخطی و موقف بالاتر از صلاحیت کس را در موقفش فضول و اظهارات غلط را فضولی تشخیص کردیم و مخاطب گفتیم، گناه و بی ادبی من است و یا شخصیکه معنی فضول را نمی داند و فضول را در حق خود توهین میداند و گوینده را بی ادب!

نه اطلاق فضول در اصطلاح فقه اسلامی و سیستم حقوقی اسلامی، به کسی اطلاق میشود که در ملک غیر، تصرف ملکیتی کند! چنین شخص را شخص فضول، چنین عقد و معامله را عقد و معامله فضولانه و از لحاظ حقوقی چنین عقد و اظهار در نقطه صفری، باطل و هیچ آثار بر وی مرتب نمی شود.

این عمل و این صدا، مانند بادی است که از مرجع غیر فلتر شده، خارج شده و از دهن خارج نه شده! چنین صدا صدای است که صرف سبب تعفن و اذیت میشود، و دیگر کدام معنا ندارد!

ممکن باد کننده را تسهیلات شکم ( پول و متاع) فراهم کند، ولی دیگر کدام اثر بر وی مرتب نیست! در حد همان باد کریح باقی میماند و پناه میشود!

بگذار چهره های کثیف و ظن فروش، خابین و مزدور بهتر و خوبتر افشاء شوند!  
زمستان خواهد گذشت و روی سیاهی به ذغال خواهد ماند!

بگذار مردم ببینند و بدانند که درین شرایط بحرانی و حساس و حاکمیت های غیر مشروع و مطلق العنان که همه باید متحد و متفق به ملت سالاری و نجات از توتالیته کار میکردند، مارا به چه مصروف ساختند و آب به آسیاب شکسته، محکوم به زوال پنجاب و فکستان ریختند!

مردم گور و کر نیستند و میدانند چه میگذرد و چه مستندات و یا بهتر بگویم انحرافات و دروغ های در مورد خط فرضی، سرطانی، غیر مشروع به نام « دیورندالین» وجود دارد!

اگر پدرا مها و دلان همراه، تحت افکار ترس قومی و زبانی و یا دشمنی و تعصب قومی و زبانی این موضع، غیر اولویت امروز، را امروز فیصله میخواهند، که جنرالان پاکستانی در نوکری به امریکا در غلامی درخشیدند و مقدار پول تیکه ای جنگ و تجاوز علیه افغانها و افغانستان بدست آوردند و گویا موفق خواهند شد، این آرمان را نه تنها به گور خواهند برد، بلکه پاکستان وجود نه خواهد بود، ملت های ساکن درین سرزمین به آزادی خواهند رسید و متحد بسیار نزدیک افغانستان خواهند بود!

دنیای جدید و نو، باید، دنیای بدون سرحدات و منافع مشترک انسانها باشد!  
ایجاد و تقویت سرحدات سیاسی باید به همکاری متمدانه، حوزه مشترک تمدنی مبدل شود، اتحادیه اروپا و اتحاد ۵۲ کشور جهان در ایالات متحده امریکا و ... الگوی خوب تعاون انسانی برای حوزه تمدنی ما شده میتواند و باید شود! و این ممکن هست!

لذا راه را نباید گم کرد و قضاوت ها را باید انسانی و سالم ساخت!

تشخیص، مرض، جرم و جنایت، سبب طعن و گناه به دوش تشخیص کننده نیست!

صدای مرغ و روبا و خابین را علمبرداران این صدا ها نه کشند!

مردم صرف در روشنی فاکتها و ارقام تشخیص میکنند و قضاوت دارند!  
و ما علینا الا البلاغ (المبین)!

داکتر صلاح الدین سعیدی

۲۰۲۶/۴/۲۷